

مسائل جهاد و دفاع

«جهاد» یکی از ارکان دین است که در صدر اسلام موجب تقویت اسلام و انتشار آن در مناطق مختلف شد. واجب بودن جهاد به طور کلی از ضروریات اسلام می‌باشد و در فروع دین کمتر موضوعی همانند جهاد مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و علاوه بر آیات جهاد، روایات زیادی در مورد حدود، شرایط، احکام و فضیلت جهاد از معصومین: وارد شده است، از جمله از حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده است که فرمودند: «جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است».^۱

(مسئله ۱) جهاد بر دو نوع است: «ابتدایی» و «دفاعی». «جهاد ابتدایی» آن است که امام مسلمانان به منظور جلوگیری از نقض پیمان اهل ذمه یا طغیان بغاة (شورشیان مسلح) بر امام مسلمین، نیروی نظامی به مناطق آنان گسیل دارد. در حقیقت، هدف از جهاد ابتدایی کشورگشایی نیست، بلکه دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که توسط قدرتهای کفر و شرک و طغیان از خداپرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند، ولی «جهاد دفاعی» زمانی است که دشمن به مرز و بوم مسلمانان هجوم آورد و قصد تسلط سیاسی یا فرهنگی و اقتصادی نسبت به آنان داشته باشد و ممکن است جهاد در برابر بغاة نیز جهاد دفاعی محسوب گردد، بلکه می‌توان گفت همه اقسام جهاد، جهاد دفاعی محسوبند.

(مسئله ۲) شرکت در جهاد بر کسی واجب است که بالغ، عاقل، مرد و آزاد باشد، و نابینا، پیر، زمین گیر و مبتلا به مرضی نباشد که نتواند وظیفه‌اش را انجام دهد.

(مسئله ۳) فرار از جهاد جایز نیست، مگر اینکه فرار از جبهه‌ای به جبهه دیگر یا برای تدارک نیروی بیشتر باشد.

(مسئله ۴) اگر ادامه جهاد نیاز به کمک‌های مادی داشته باشد، بر همه کسانی که تمکن مالی دارند واجب است به اندازه قدرت کمک نمایند.

(مسئله ۵) شرکت در جهاد ابتدایی یا دفاعی واجب کفایی است، پس اگر افراد به اندازه کافی شرکت نکنند، بر همه کسانی که شرایط آن را داشته باشند واجب است که به جهاد بروند.

(مسئله ۶) اگر پدر و مادر، فرزند را از شرکت در جهاد ابتدایی یا دفاعی نهی نمایند، در صورتی که جهاد بر او واجب عینی باشد، نهی آنان تأثیری ندارد و باید در جهاد شرکت کند، ولی اگر جهاد بر او واجب کفایی است و نیروی کافی در جبهه حضور داشته باشد، چنانچه شرکت در جهاد موجب اذیت و آزار پدر و مادر باشد مخالفت با آنان

^۱. برگرفته از وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، باب ۱ از ابواب «جهاد العدو و مایناسبه»، حدیث ۱۳.

جایز نیست.

الف - جهاد ابتدایی:

(مسأله ۷) جهاد ابتدایی واجب کفایی است و زمانی واجب می‌شود که امکانات و شرایط آن موجود باشد و امام معصوم (ع) یا حاکم جامع‌الشرایط به آن امر نماید.

(مسأله ۸) شروع جهاد ابتدایی در ماههای حرام^۱ جایز نیست، ولی اگر کفار در ماههای حرام به مسلمانان حمله نمایند دفاع واجب است.

(مسأله ۹) با سه دسته جهاد ابتدایی جایز است:

الف- فار اهل کتاب (یهود، نصاری و مجوس) یا غیر اهل کتاب، در صورتی که در پناه اسلام نباشند.

ب- کفاری که زندگی تحت حاکمیت اسلام را با شرایطی پذیرفته‌اند، ولی به شرایط مقرر عمل نکرده و نقض عهد نمایند، اما هر گاه به شرایط مقرر ملتزم باشند، باید جان و مال و آبروی آنان حفظ شود و حقوق مشروع و قانونی آنان مراعات گردد.

ج- شورشیان مسلح (بغاة) و اینها گروههایی هستند که بدون حق و به انگیزه باطل، به قصد تغییر حکومت صالح اسلامی و یا به دست گرفتن قدرت یا به بهانه اصلاح امور، شورش مسلحانه نمایند و فرقی نیست که شورش آنان به صورت جنگ منظم باشد یا جنگ چریکی یا کودتا، بر حکومت امام معصوم (ع) باشد یا فقیه جامع‌الشرایط.

(مسأله ۱۰) شرایطی که با کفار توسط حاکمیت اسلامی منعقد می‌شود عبارت است از:

۱- پرداخت مالیات بر حسب شرایط زمانی و مکانی

۲- پرهیز از کارهایی نظیر: توطئه بر حکومت اسلامی یا دادن کمک مالی و یا اطلاعاتی و مانند آن به دشمنان، اذیت و آزار آحاد مسلمانان، تظاهر به انجام منکرات همچون: نوشیدن شراب، بی‌حجابی و مانند آن.

۳- تسلیم در برابر احکام عمومی دستگاه قضایی اسلام، ولی در امور شخصی می‌توانند به قضات خودشان مراجعه نمایند.

(مسأله ۱۱) اگر دولت اسلامی به خاطر مصالح اسلام و مسلمانان با کفار و مشترکین

پیمان یا تعهدی را قبول کرده یا به آنان امان داده باشد، عمل به آن عهد یا امان واجب است و نباید آن را نقض نماید.

۱. ماههای حرام عبارتند از «رجب»، «ذی قعدة»، «ذی حجة» و «محرم».

(مسئله ۱۲) انعقاد قرارداد صلح با کفاری که در حال جنگ با مسلمانان می‌باشند، در صورتی که حاکمیت اسلامی صلاح بداند جایز است، خواه در مقابل آن عوضی به کفار داده شود یا نه. و مدت قرارداد صلح و سایر شرایط و حدود آن بستگی به تشخیص مصلحت توسط حاکمیت اسلامی دارد.

(مسئله ۱۳) اگر احتمال عقلایی داده شود که کافر حربی به اسلام گرایش پیدا می‌کند، امان دادن به او و تأمین زن و فرزندان و اموال او توسط حاکم اسلامی یا یکی از مسلمانان جایز است و لازم نیست او تقاضای امان بنماید و در این حالت قتال با او جایز نمی‌باشد.

(مسئله ۱۴) در جهاد با کفار و مشرکین نباید به زنان و کودکان آنها آسیبی وارد شود همچنین جنگجویان کافری که در جهاد به دست مسلمانان اسیر می‌شوند و خطری از ناحیه آنان احساس نمی‌شود پس از پایان جنگ نباید مورد تعرض قرار گیرند و باید کاملاً از حقوق مشروع خود بهره‌مند باشند.

(مسئله ۱۵) حاکم اسلامی می‌تواند اسرایی را که در جنگ با کفار و مشرکین به اسارت در آمده‌اند، در مقابل عوض آزاد نماید، بلکه مطابق مصلحت می‌تواند آنان را بدون عوض نیز آزاد نماید و به آنان در هر جایی که بخواهند اختیار زندگی بدهد.

(مسئله ۱۶) کشتن اسرای شورشیان مسلح (بغاة) در صورتی که از ناحیه آنان احساس خطری نشود و نیز به بردگی گرفتن آنان جایز نیست، بلکه باید آزاد شوند و یا مطابق مصلحت، مدتی در زندان نگاه داشته و سپس آزاد گردند.

ب - جهاد دفاعی:

(مسئله ۱۷) اگر دشمن به بلاد مسلمانان و مرزهای آنها هجوم آورد بر همه واجب است به هر وسیله ممکن و با نثار مال و جان از آن دفاع نمایند و در این امر نیازی به اجازه حاکم شرع نیست.

(مسئله ۱۸) اگر مسلمانان متوجه شوند که بیگانگان نقشه چیرگی بر کشورهای اسلامی را کشیده‌اند و چه بسا ممکن است از راه عوامل دست نشانده خود بر کشورهای اسلامی چیره شوند، واجب است با هر وسیله ممکن طرح و نقشه‌های آنان را برهم زده و از سلطه آنان جلوگیری نمایند، چه تسلط آنان سیاسی باشد یا نظامی یا فرهنگی و یا اقتصادی.

(مسئله ۱۹) اگر بیگانگان از راه تجسس یا فرستادن امواج توسط رادیو یا ماهواره در صدد ضربه زدن به اعتقادات و فرهنگ مسلمانان باشند، دفاع از فرهنگ و اعتقادات اسلامی بر هر مسلمانی واجب است و شایسته است از راه تقویت فرهنگ و اعتقادات مسلمانان از ضربه زدن دشمن به آن جلوگیری شود و از راههای دیگر، مگر در موارد

ضرورت، استفاده نشود.

(مسئله ۲۰) بستن پیمانهای سیاسی و تجاری میان یکی از دولتهای اسلامی با بیگانگان اگر به مصلحت اسلام و مسلمانان نباشد جایز نیست و بر سایر دولتهای اسلامی و نیز ملتهای مسلمان واجب است دولت اسلامی طرف قرارداد را به قطع روابط و اदार کنند.

(مسئله ۲۱) اگر برخی از سردمداران کشورهای اسلامی موجب بسط نفوذ سیاسی یا اقتصادی و یا نظامی بیگانگان شوند که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است، به واسطه این خیانت، خود به خود از مقام خویش منعزل می‌شوند و بر مسلمانان واجب است به هر شیوه ممکن و با رعایت موازین شرعی آنان را مجازات نمایند.

(مسئله ۲۲) رابطه سیاسی یا اقتصادی با دولتهایی، مانند رژیم اشغالگر قدس، که در حال جنگ و ستیز با اسلام و مسلمانان هستند و موجب تقویت دشمنان اسلام و مسلمین می‌شود جایز نیست و بر همه واجب است به هر شیوه ممکن با این گونه روابط مخالفت کنند و بازرگانی که با آنها و عواملشان روابط تجاری دارند خائن به اسلام و مسلمانان می‌باشند و بر همه واجب است با این خیانتکاران قطع رابطه کرده، آنان را به توبه و ترک روابط و اदार نمایند.

(مسئله ۲۳) بر سران دولتهای اسلامی واجب است در جهت حفظ مصالح اسلام و مسلمانان و دفاع از آنان اختلافات گوناگون خود را در برابر جبهه کفر و استعمار حل و فصل نمایند تا دشمنان اسلام نتوانند از اختلافات آنان سوء استفاده کنند.

(مسئله ۲۴) واجب است دولتهای مسلمان بینه فرهنگی، نظامی و اقتصادی خود را در برابر دولتهای جائر و قدرتمند تقویت کنند تا بتوانند در صحنه‌های گوناگون از حیثیت اسلام و مصالح مسلمانان دفاع نمایند.

(مسئله ۲۵) اگر یکی از کشورهای اسلامی مورد تهاجم نظامی یا اقتصادی بیگانگان قرار گیرد، بر سایر دولتها و ملتهای مسلمان واجب است در حد قدرت از آن کشور حمایت نمایند.

(مسئله ۲۶) اگر عده‌ای از مسلمانان به دسته دیگر تجاوز نمایند و راه اصلاح وجود نداشته باشد، بر همه مسلمانان واجب است که با دسته متجاوز و باغی مقابله کنند تا از تجاوز دست بردارند و قتال با دسته متجاوز در ماههای حرام اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷) اگر در هر گوشه از جهان مسلمانی مظلوم واقع شود و حقوق اولیه او مورد تجاوز و تعدی قرار بگیرد، بر هر فردی که ندای مظلومیت او را می‌شنود واجب است در حد توان کمک نماید، هر چند با اظهار همدردی باشد.

دفاع از حقوق شخصی:

(مسئله ۲۸) اگر کسی به خود انسان یا ناموس یا خویشان و بستگان او یا به مسلمانی دیگر به قصد کشتن یا تجاوز هجوم آورد، برانسان واجب است به هر صورت ممکن دفاع نماید، هر چند منجر به کشته شدن مهاجم شود. ولی باید سعی کند تا وقتی که راه خفیف‌تر یا فرار میسر است، دست به کار شدید و خشن نزند.

(مسئله ۲۹) اگر انسان نتواند به تنهایی از جان و ناموس خود دفاع کند واجب است از دیگران کمک بگیرد، هر چند از ظلمه باشند.

(مسئله ۳۰) اگر دزدی به قصد بردن مال انسان یا بستگان او هجوم آورد، انسان حق دارد با رعایت مراتب دفاع کند، هر چند به کشته شدن مهاجم بینجامد.

(مسئله ۳۱) اگر هنگام دفاع با رعایت مراتب آن به شخص تجاوزگر زیان مالی و جانی یا نقض عضو وارد شود، دفاع کننده ضامن نیست ولی اگر درجات خفیف‌تر یا فرار میسر بوده و با این حال به مراحل بالاتر و شدیدتر عمل نموده باشد بنا بر احتیاط ضامن است. و در هر صورت اگر از سوی تجاوزگر به دفاع کننده خسارتی برسد، شخص مهاجم ضامن است.

(مسئله ۳۲) اگر انسان به گونه‌ای بر مهاجم پیروز شود که وی دیگر توان تهاجم نداشته باشد، دفاع کننده حق زدن یا زخمی کردن و یا کشتن وی را ندارد، بلکه تعزیر او با حاکم شرع است.

(مسئله ۳۳) کسی که مرد بیگانه‌ای را با همسر یا دختر یا یکی از زنان خویشاوند خود بیاید، چنانچه او قصد تجاوز به آنان را داشته باشد، باید به هر شیوه ممکن از حریم آنان دفاع نماید، هر چند به کشته شدن تجاوزگر بینجامد، بلکه باید از تجاوز به ناموس مسلمانان دیگر هم دفاع کند. و در هر حال رعایت مراتب، دفاع لازم است و با رعایت مراتب انسان ضامن خسارت او نیست، ولی اگر با وجود مراتب پایین‌تر دست به کار شدیدتر بزند بنا بر احتیاط ضامن است.

(مسئله ۳۴) اگر کسی برای آگاهی بر ناموس یا اسرار شخصی افراد یا برای دیدن بدن نامحرم، به طور عادی یا با دوربین و نظایر آن، به درون خانه‌های مردم نگاه کند، باید در مرحله اول او را نهی کرد و در صورت ادامه دادن با رعایت مراتب از او جلوگیری نمود، گرچه به مجروح یا کشته شدن او بینجامد.

(مسئله ۳۵) دفاع از جان خود و بستگان، جایز بلکه گاهی واجب است، هر چند احتمال دهد یا یقین کند که در این راه کشته می‌شود. ولی در دفاع از مال اگر یقین به کشته شدن دارد دفاع واجب نیست، بلکه احتیاط در ترک آن است.

(مسئله ۳۶) اگر انسان گمان کند شخصی قصد هجوم به جان یا مال و یا ناموس وی را دارد و در مقام دفاع، خسارتی به مهاجم برساند و بعد معلوم شود اشتباه کرده گناهکار نیست،

ولی ضامن خسارتی که وارد نموده می‌باشد.

(مسئله ۳۷) اگر حیوان درنده‌ای که متعلق به دیگری است به انسان حمله کند، انسان حق دارد از خود دفاع نماید و با رعایت مراتب اگر به حیوان خسارتی وارد شود ضامن نیست، مگر در موردی که انسان متجاوز باشد.